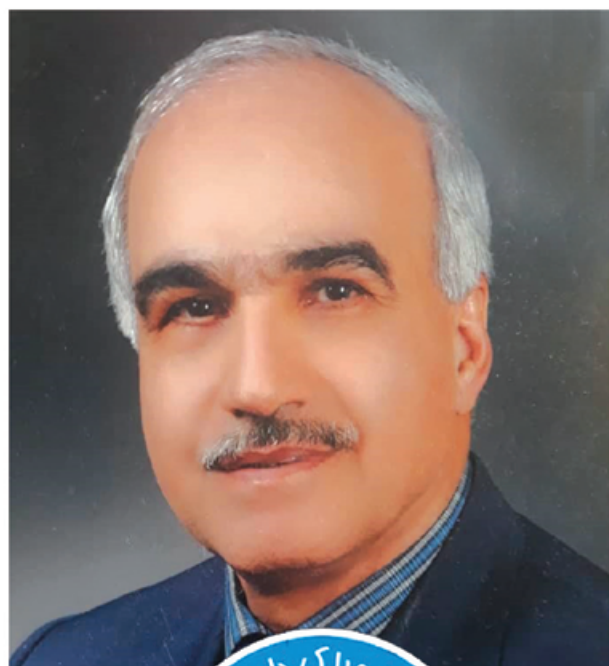


دانه داران توس، واحد نمونه کشور

مدیران

گروه تخصصی مدیران طلایی
پل ارتباطی ۰۵۱ ۳۷۰۰۹۹۱۱
GOLDEN MANAGERبستری مناسب برای آشنایی بیشتر با
برندها، واحدهای ممتاز و دیدگاه های
مدیران طلایی و کارآفرینان برتر کشور

دانه داران توس فراتر از یک نام

سید حسن حسن زاده جوهری معلم دیروز و کارآفرین نمونه امروز کشور

اندیشه های بلند چهره و صنعتگری نمونه به نام سید حسن حسن زاده جوهری است که بهترین سالهای عمر خود را در این عرصه و با بهانه ای به نام خوراک دام و طیور، وقف خدمت به هموطنان و هم استانی های خود نموده است. سید حسن حسن زاده جوهری امروز نه فقط یک شهروند بلکه پرچمدار حرکتی است که اقتصاد کشور را به سهم خود به سود خود کفایی و استقلال اقتصادی سوق می دهد، باید به ایشان دست مرزاد گفت و سخنانش را که طعم کار و تلاش و تولید و سازندگی می دهد را با گوش جان شنید.

های آموزشی تخصصی، دریافت نشان های افتخار استانی و ملی متعدد در سالهای فعالیت این مجموعه، همه و همه حکایت از مجموعه ای فاخر با سازماندهی منسجم و مدیریتی ممتاز و واحدی نمونه دارد. امروز خوراک دام و طیور، یک محصول استراتژیک به شمار آمده و بر قیمت گذاری دام سبک و سنگین و مرغ تاثیر انکارناپذیری دارد. مجموعه دانه داران با حدود ۲۹ سال تجربه، بهترین و باکیفیت ترین خوراک دام را تولید و توزیع می نماید. این مجموعه نخستین تولید کننده کنستانتره میکرونیزه اسب در کشور است و در تولید کنستانتره های دام سبک و سنگین، طیور و ماکیان زینتی، شرکتی پیشرو می باشد. این همه افتخار، این حجم تولید و این اشتغال آفرینی، محصول تفکرات و

جمع آوری شیر، نیاز دامداران و تعاونی های مربوطه را در سطح استانهای خراسان رضوی، شمالی و جنوبی تأمین نماید. فاز دوم کارخانه نیز با ظرفیت ۵۰ هزار تن تولید کنستانتره طیور با تجهیزاتی نظیر سیستم سوپر پخت (هایزنایزر) به اتمام رسید و از سال ۹۳ تولید خود را آغاز نمود. این کارخانه علاوه بر گواهینامه های ISO 9001/2015، GMP و دارای آرم استاندارد ایران و برند بارکد برای محصولات تولیدی خود می باشد. این شرکت دارای نشریه ی مستقلی بنام دانه داران بوده و به طور منظم در تیراژ ۲۰۰۰ نسخه چاپ و بصورت رایگان توزیع می گردد. نگاه علمی و تحقیقاتی جناب آقای حسن زاده و همکاران در مقوله های تولید و فروش، برگزاری کلاس

کمتر کسی است که با صنعت دام و طیور آشنا باشد و نام شرکت دانه داران توس و مدیرعامل توانمند و متعهدی همچون سید حسن حسن زاده جوهری را نشنیده باشد. شرکت دانه داران توس که هفده سال پیش در مشهد ثبت و فاز یک آن در مشهد با مساحت و زیربنایی قابل تامل و ظرفیت ۳۰ هزار تن در یک شیفت آغاز و در سال ۸۵ به بهره برداری رسید، توانست با استفاده از بهترین مواد اولیه و تکنولوژی روز و نیروی انسانی متخصص و متعهد با تحصیلات مرتبط و راه اندازی آزمایشگاه های مجهز بخصوص آزمایشگاه میکروبیولوژی، با همراهی با سازمان جهاد کشاورزی، اداره کل دامپزشکی و اتحادیه های گاوداران، دامداران و عشایری خراسان رضوی و مراکز

ما به عنوان اولویت مطرح بوده است. دلیل اینکه امروز و پس از گذشت ۲۵ سال به عنوان واحد نمونه استان و کشور مطرح هستیم را باید در همان دو اصل جستجو کرد. در آن سالها که ما با یک کارگاه دستی فعال بودیم، شش کارگاه فعال دیگر در مشهد وجود داشت و تنها واحدی که توانست دوام و قوام داشته باشد، ما بودیم.

و قصه ی دریافت مجوز تاسیس کارخانه و تولید و اشتغال زایی: از سال ۱۳۸۳ بنا بر این گذاشتیم که کار و فعالیت های خود را به لحاظ کمی و کیفی در سطوح بالا ارتقاء دهیم لذا برای دریافت مجوز تاسیس کارخانه خوراک دام و طیور از جهاد کشاورزی اقدام نموده و پس از دریافت مجوز ها، عملیات ساختمانی احداث کارخانه خوراک دام و طیور دانه داران توس را در زمینی به مساحت ۲۶۰۰۰ مترمربع با زیر بنای ۴۰۰۰ متر مسقف در منطقه کمتر توسعه یافته جیم آباد، روستای بازه حوض شروع کردیم. ساختمان سازی و نصب و راه اندازی ماشین آلات و تجهیزات تا شهریور ۱۳۸۵ ادامه داشت و خط اول تولید خوراک دام در شهریور ۱۳۸۵ با ظرفیت ۳۰ هزار تن در سال در یک شیفت، به بهره برداری رسید. در سال ۱۳۹۱ خطوط دو و سه تولید خوراک طیور را با ظرفیت ۵۰ هزار تن با استفاده از تکنولوژی

فعال اقتصادی اگر تصمیم به رشد و تعالی دارد باید این مسیر را طی کند، حتی اگر مجبور باشد هزینه ای را متقبل و ریسکی را بپذیرد، تجربه های من سرمایه من محسوب میشوند همانطور که یک شریک و سرمایه گذار خوب به نام محمود نصیریان را در کنار خود داشتم که برایم پشتوانه بزرگ و حاشیه ای امن محسوب می شد.

و اما این شروع دوباره؟ تولید را با یک کارگاه کوچک اجاره ای و یک کارگر و ابتدایی ترین دستگاه در منطقه تپه سلام آغاز و محصولات را در سطح استان توزیع می نمودیم. ما برگ برنده ی بزرگی داشتیم آن این بود که به خاطر سال ها بازار یابی در مبحث خوراک دام در شهر ها و استان های مختلف بازار و مشتریان را رصد کرده بودیم و با آنها از سال ها قبل در ارتباط بودیم و در واقع می توان گفت سوار بر اسب زین شده بودیم. شما در دوره ای به عرصه تولید ورود نموده اید که فعالیت بعضی از کارخانه ها متوقف و برخی حرکت شتابانی نداشتند و با توجه به این شرایط، چه رویکردی می توانست شما را در این مهلکه گرفتار نکرده و بتوانید حرکتی رو به جلو داشته باشید؟ از همان ابتدای تولید دو اصل کیفیت و رضایتمندی مشتری برای

به طور جدی در این حوزه شروع کردم. در آن زمان فرهنگ استفاده از کنستانتره جانیفتاده بود، دام داران با آن آشنا نبوده و با روش های سنتی خوراک دام مورد نیاز را تهیه می کردند حرکت مستمر و به جرات می توانم بگویم در سطح استان فعالیت را شروع کرده و دنبال می نمودم در هفده شهرستان از طریق شرکت های تعاونی دامداران و گاو داران موفق شدم کنستانتره را به عنوان یک خوراک فرآوری شده معرفی نمایم. از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ به عنوان توزیع کننده محصول نهایی کارخانه معتبر ایران فعالیت را دنبال نمودم و بعد از آن تصمیم گرفتم با کمک یکی از دوستان مورد اعتماد به نام جناب آقای محمود نصیریان که چهره بسیار ارزشمندی می باشد، سرفصل دیگری از فعالیت های خود را به طور مستقل آغاز نمایم.

جناب عالی پس از سال ها فعالیت در عرصه های مختلف تعلیم و تربیت و همکاری با کارخانجات و صنایع و سرانجام بازار یابی در صنعت خوراک دام به این نتیجه رسیده بودید که وقت آن است که با توجه به این تجارب ارزنده فعالیت های خود را به طور مستقل دنبال نمایید، آیا این شروع دوباره مستلزم صرف هزینه های هنگفت یا پذیرفتن ریسک بالایی نبود؟ این یک اتفاق معمول است و هر

اراک، شازند، شهرهایی همچون دزفول، تهران و غیره کار می کردم. در چه سالی ازدواج کردید و ثمره این ازدواج تا امروز چه بوده است؟ یک سال بعد از قطع همکاری با آموزش و پرورش و در سال ۱۳۶۰ ازدواج کردم، در حال حاضر دو فرزند دارم که هر دو دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، پسرم مدیر بازرگانی شرکت دانه داران توس است و دخترم نیز مدتی در همین شرکت با ما همکاری داشتند و بعد از ازدواج از این مجموعه جدا شدند و زندگی خود را دنبال می نمایند.

از چه سالی به صنعت خوراک دام ورود نمودید؟

در سال ۱۳۶۸ به طور اتفاقی با یکی از دوستان آشنا شدم که در عرصه خوراک دام فعالیت داشت و برای من که از مهاجرت خسته شده بودم و تصمیم داشتم بیش از پیش به زندگی و خانواده ام رسیدگی نمایم تلنگر و بهانه ی خوبی بود تا فضای کارم را تغییر بدهم. دو سه شغل مختلف ذهنم را درگیر کرده بود اما ترجیح من ویزیتوری خوراک دام بود، در آن سال ها سه مجموعه خوراک دام مشهد، دیزباد و تربت حیدریه وجود داشت که از بین آنها خوراک دام مشهد فعال بود. من نمایندگی سه کارخانه بزرگ کشور از تهران و مازندران را اخذ نموده و کارم را

شخصیتی ممتاز، روحانی و واعظی قابل احترام و در امر مدرسه سازی پیشگام بود. تاسیس اولین مهدیه کشور، انجمن پیروان قرآن و مدارس عسکریه، نقویه، جوادیه، کاظمیه، جعفریه، باقریه، سجاده، حسینی، حسنی، فاطمیه و علویه از جمله اقدامات ماندگار این چهره ارزشمند بود. پس از دوران ابتدایی، ورود به دبیرستان و بعد از آن هم قبولی در دانشسرای تربیت معلم فنی مشهد و لیسانس برق و آغاز سرفصلی دیگر از زندگی با دبیری در هنرستان که تا سال ۱۳۵۹ ادامه داشت و بنا به دلایلی فعالیت در آموزش و پرورش را ادامه ندادم.

جناب عالی در شرایطی که دارای شغل دبیری بودید و هرکسی آرزوی آن را داشت ترجیح دادید تدریس و فعالیت در آموزش و پرورش را رها کرده و به واقع در فضای دیگری فعالیت خود را دنبال نمایید، آیا شرایط برای ورود به بازار کار فراهم بود؟

واقعیت این است که من باید از صفر شروع میکردم و علی رغم داشتن تحصیلات عالیه، کارخانه یا مجموعه و پست سازمانی بزرگی در انتظارم نبود. چندین سال کارگری کردم، کارخانه سیمان خاش در حال راه اندازی بود و کارگر استخدام می کرد، من کار را با این مجموعه آغاز نمودم و بعد از آن در پالایشگاه

از خودتان و سال های خیلی دور بگویید: من متولد ۱۳۳۶ در شهر مشهد و دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی هستم. در یک خانواده مذهبی که دارای شرایط مالی متوسط به پایین بود بزرگ شدم، پدرم قهوه خانه داشت و کاسب شریفی بود. در آن زمان ها معمولا خانواده ها به کار اهمیت بیشتری می دادند و بعد از اینکه فرزندان شان در حد خواندن و نوشتن سواد می آموختند آنها را تشویق می کردند تا بروند به دنبال کسب و کار. اگر چه خانواده ما هم از این قائده مستثنی نبود اما اکراه و اجباری هم در کار نبود و آنها اجازه دادند که من درس را ادامه دهم. ذهنیت کار کردن باعث شد که تا کلاس سوم دبستان روزانه درس بخوانم و بنا بر سفارش عموم به پدر که گفته بود سید حسن را بگذارید روز ها کار کند، من هم چون خودم به کار علاقه داشتم، درس و کار را کنار هم انتخاب کردم و در مغازه برادر بزرگم که شغلش سیم کشی بود مشغول فعالیت شدم. همیشه جزو شاگردان اول تا سوم کلاس بودم. دوران ابتدایی را که در آن زمان شش ساله بود با روش جهشی در چهار سال به پایان رساندم. من در یکی از مدارس حاج علی اصغر عابد زاده، معروف به حاجی عابد زاده، به نام مدرسه نقویه درس می خواندم. ایشان